

## پیش‌خوان

**خوانش بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی در آئینه خطبه‌های جمعه آیت‌الله مهدوی کنی**

## روایت و تبیینی از «سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی»

■ **محمد رضا کائینی**

اثری که هم اینک در صدد معرفی آن هستنیم، متن خطبه‌های نماز جمعه زنده یاد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی است، که عمدتاً در سالیان نخست تأسیس نظام اسلامی ایراد شده است. این مجموعه به اهتمام نادر جعفری هفت‌خوانی تدوین شده و انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، به انتشار آن اهتمام ورزیده است.
تدوینگر در دیباچه خویش بر این مجموعه، ضرورت انتشار آن را اینگونه تشریح کرده است: «مجموعه حاضر، شامل پنج سخنرانی معظم‌له پیش از خطبه‌ها در کنار ۲۴ خطبه‌ای که -ضمن ۱۲ مورد اقامه نماز- ایراد شده‌اند، مجموعاً ۲۹ متن را در یک دوره زمانی حدوداً ۲۰ ساله در برمی‌گیرد. از سویی همان‌طور که خوانندگان محترم توجه خواهند نمود، متن خطبه‌ها و سخنرانی‌ها مشحون از آیات مختلف قرآن کریم و روایات متعددی است که معظم‌له ضمن ارائه مباحث اخلاقی آنها را ذکر نموده یا به آنها ارجاع داده‌اند. بنابراین از یک‌سو می‌توان متن اثر حاضر را از این جهت اثری اخلاقی و دینی برشمرد که خواننده را با ابعاد مختلف موضوعات اخلاقی، به‌ویژه با تأکید بر جنبه‌های کاربردی آنها آشنا می‌سازد و به همین دلیل به‌نظم رسید، خوب است خواننده علاقمند را در خلال این‌گونه مباحث، به کتاب اخلاقی علمی معظم‌له نیز ارجاع دهم، تا امکان طرح و مرور بیشتر نظر گاه‌های اخلاقی ایشان نیز فراهم آید. بنابراین یادآوری این موضوع را ضروری می‌دانم که به نظر پژوهشگر، این اثر در کنار دو اثر مهم منتشر شده از معظم‌له، یعنی کتاب نقطه‌های آغاز در اخلاقی علمی و کتاب خاطرات ایشان، سه گانه‌ای مکمل را می‌سازد



آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی

که از تطابی دو سویه ودائمی را امیان مباحث اخلاقی (عرفان نظری)، امور اجرایی و اداری دولت (تدبیر حکومت) و نهایتاً اخلاق حرفه‌ای (عرفان عملی) بنا می‌نهند. به همین دلیل تلاش شده برای درک بهتر موضوعات مطرح شده در سخنرانی‌ها و خطبه‌ها، برخی مباحث این اثر در خد مقدور، به سرفصل‌های برگزیده از مباحث دو کتاب یاد شده ارجاع شوند، تا خوانندگان علاقمند بتوانند بهره‌برداری افزون‌تری از متن این اثر داشته باشند...»

جعفری در پایان مقدمه خود، دو نکته بی‌آمده را خاطر نشان کرده است: «با توجه به اینکه محور اصلی متن کتاب، سخنان معظم‌له در جایگاه نماز جمعه تهران است، روش کار این‌گونه تنظیم شد که ابتداء فرمایشات ایشان از گفتار به متن تبدیل شده و سپس طی مراحل، به تدریج پردازش‌های مورد نیاز روی متن‌ها انجام گرفته است. با این همه انتظار می‌رود خوانندگان محترم در هنگام بهره‌برداری از متن، به این ویژگی‌ها عنایت کافی داشته باشند:

۱- توجه به اینکه مخاطبان خطبه‌های نماز جمعه در درجه نخست، همان نمازگزاران یا عموم مردم و اقشار مختلف جامعه بوده و هستند. لذا خطیب و امام جمعه می‌بایست با زبانی ساده و واژگانی قابل فهم و به دور از تکلف و آرایه‌های کلامی و گاهی حتی با تکرار، به ایراد سخن می‌پرداخته است. بنابراین محتوای اصلی این متن، خطبه‌هایی شفاهی برای عموم مردم بوده و اگر چه ممکن است متن پیش‌رو هموز از همین ویژگی‌ها برخوردار باشد، اما در عین حال تلاش شده تا مطالب از حالت گفتاری خارج شوند و مشابهت بیشتری به متن بیابند.

۲- استفاده از دایره معمول واژگان آیت‌الله

مهدوی کنی، برای پژوهشگر موضوعیت داشته و حتی شیوه‌انشا و سخنرانی معطله و تأکیدات خاص ایشان روی برخی کلمات، اصطلاحات و استنادات قرآنی، مورد توجه قرار داشته و به همین خاطر سعی بر حفظ اصالت کلام ایشان شده است...»

■ **احمد رضا صدری**

روزه‌هایی که بسر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز انتصاب حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، به امامت جمعه تهران و از سوی امام خمینی است. هم از این‌روی در مقال پیش‌روی، به یاد خوانشی زمینه‌ها و پیام‌های این رویداد تاریخی پرداخته‌ایم. امید آنکه مفید آید.

■ ■ ■

■ **به حسن سابقه موصوف و در علم و عمل شایسته**

اولین نماز جمعه تهران در پنجم مرداد ۱۳۵۸ و به مقدسه قم لازم بود و ایشان انصراف خودشان را از شد. وی در ۱۹ شهریور همان سال بدرود حیات گفت و امام خمینی، آیت‌الله حسینعلی منتظری را به جای او منصوب کردند. امام جمعه دوم از آن جهت که ساکن قم و مدرس حوزه آن بود، در دی‌ماه همان سال، از این مسند کناره گرفت و امام جمعه سوم با حکم ذیل آمده، عهده‌دار این سمت گشتند: «خدمت جناب مستطاب، سیدالاعلام و حجت‌الاسلام آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای (دامت افزاته)

چون حضور جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای منتظری دامت افزاته در حوزه مقدسه قم لازم بود و ایشان انصراف خودشان را از امامت جمعه تهران اعلام نمودند، جناب‌عالی که بحمدالله به حسن سابقه موصوف و در علم و عمل شایسته هستید، به امامت جمعه تهران منصوب می‌باشید. از خداوند متعال توفیق جناب‌عالی را در ارشاد و هدایت مردم خواستارم. والسلام علیکم ورحمت‌الله، روح‌الله الموسوی الخمنی، ۲۵ صفر ۱۴۰۰ برابر با ۲۴ دی‌ماه ۵۸.»

آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، با اینکه کم سن و سال‌تر از دو امام جمعه پیشین به شمار می‌رفت، اما از جنبه خطابه، دست کم بر نفر قبلی تفوق داشت. این نکته‌ای بود که آیت‌الله منتظری در معرفی آیت‌الله خامنه‌ای به مردم، در نماز جمعه



**نماز جمعه تهران، پایدار به خطبه‌هایی که نماد صلاح و سداد است**

## خورشید انقلاب

## بر مسند خطبه‌های بیداری

تهران آن را مورد تأکید قرار داد: «حلال که من نتوانستم در خدمت شما باشم، برادر مجاهد ما حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای خامنه‌ای که هم از لحاظ علمی و هم عملی مورد تأیید امام و همه دوستان هستند، به امامت نماز جمعه برگزیده شده‌اند. من هم یکی از ارادتمندان به ایشان هستم و اگر من خطیب نیستم، ایشان خطیب هستند و خطبه‌ای یکی از ارکان نماز جمعه می‌باشد...»

انجام روز ۲۴ دی ماه فرا رسید و امام جمعه جدید تهران در حضور جمعیت بزرگ نمازگزاران، انتصاب خویش به این سمت را، به ترتیب بی‌آمده تلیل نمودند: «سیاس از امام است، از این که سخنگوی این جمعیت عظیم را و امام جماعت این جمع را آن کسی قرار داده است که به ضعف و عجز خود معترف است. اللهم انّ هذا مقام اولیائک و احرائک، این مسند اولیای بزرگ خداست، این مسند صالحان و شایستگان است. در جمع خود ما این مسند عالم بزرگ و راحل عظیمی است که ملت ایران هنوز داغ فقدان او را در دل می‌پروراند، این مسند مرحوم آیت‌الله طالقانی است، آن انسان زجر کشیده و گوشش کرده و یا مردی کرجه‌ای که در آخرین لحظات زندگی‌اش، در آخرین نفس‌هایش هم، راه دیرین خود را گم نکرد، از مجاهدت دست نکشید...». ایشان در ادامه، به فلسفه وجودی نماز جمعه پرداختند و آن را اینگونه بسط دادند: «نماز جمعه یک سمبل است، رمز است، نشان دهنده ابعاد گوناگون است. اولاً نماز است، یعنی ذکر خداست... در نماز جمعه آنچه از همه چیز مهم‌تر است اجتماع مردم در جهت تقواست، یعنی تقوا هم، زهد هم، عبادت هم، ارتباط به خدا هم، در خلوت و تنهایی اثر مطلوب خود را نمی‌بخشد، این جامعه است که باید در این جهت حرکت کند... ثانیاً سلاح است، حالت جنگیدن با دشمن خدا و با شیطان هاست. امام جمعه که رمز نماز جمعه است، باید به سلاحی تکیه کند، تفوق صصای خود را سلاحی قرار بدهد و در مقابل مردم بایستد و اساسی‌ترین و لازم‌ترین و اصلی‌ترین

## عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۲۷

درصد آن هستند که در این اجتماع معنوی و روحانی و در این صحنه عظیم عبادت الهی، به همان خیانت‌ها و زذالت‌ها دست بزنند. من به عنوان بنده کوچک خدا و برادر کوچک شما، هیچ قوهٔ قهریه‌ای ندارم که جلو آنها را بگیرد، برای شما مردم هم تکلیفی نمی‌توانم معین بکنم، اما می‌توانم حکم خدا را بگویم. در اثناء خطبه و در حال نماز، سکوت و استماع واجب است و متخلف، متخلف از اسلام است و پس از پایان نماز هرگونه شعار تفرقه‌انگیز، به سود امریکاست و هر فریادی که مردم را به هیجان بیاورد و دشمنی آنها را به جای امریکا و عناصر مزدورش، به داخل ملت متوجه کند، فریاد شیطان است. در اثنای خطبه جز تکبیر و جز صلوات، آن هم در هنگام لازم، از حلقوم کسی صدایی نباید برآید و پس از نماز جز شعار توحید و جز شعار نفرت از امریکا قذار و هرچه در این مضمون باشد، نباید داده بشود. این نباید، نباید رساله عملیه است، ضامن اجرای آن ایمان شما و دل‌های صادق و پاک شماست...»

■ **امام جمعه در هنگام انفجار، آن‌طور با آن طنین قوی صحبت کرد...**

بیست و چهارمین روز از اسفندماه ۱۳۶۳، نماز جمعه تهران شاهد صحنه‌ای دلخراش بود. به گاه خطبه آیت‌الله خامنه‌ای، در فضای اصلی برگزاری مراسم بمبی قوی منفجر شد و ۱۴ نفر شهید و ۸۸ تن مجروح شدند. در لحظه وقوع این رویداد، برخی مسئولان حفاظت یا ستاد نماز جمعه تهران، ادامه خطبه‌ها را به صلاح نمی‌دانستند، چه اینکه ممکن بود بمب یا بمب‌های دیگری نیز در آن منطقه تعبیه شده باشد. با این همه امام جمعه وقت بی‌اعتنا به این احتمالات، به خطبه‌های خویش تداوم بخشیدند. زنده یاد محمود مرتضایی‌فر مجری مراسم، در این باره می‌گوید: «این نماز جمعه نیز به مانند دیگر نماز جمعه‌ها، با حضور پرشور و انقلابی مردم در ساعت مقرر با قرائت قرآن آغاز شد و مردم در صوفی‌منظر نشسته بودند، با این تفاوت که به این مسئله علم داشتند که ممکن است شهید شوند. رهبر انقلاب اسلامی که خطیب نماز جمعه تاریخی سال ۶۳ بودند، در حال ایراد خطبه‌ها بودند که انفجار صورت گرفت. من یک لحظه به اشتیاه فکر کردم که منافقان ایشان را هدف قرار داده‌اند که خوشبختانه این‌طور نبود. موج و حرارت انفجار به جایگاه هم رسید، ولی خوشبختانه به ایشان آسیبی نرسید. با وجود این که صدای انفجار بسیار بلند بود و بر تمام فضای دانشگاه اثر گذاشته بود، اما ایشان مکان سخنرانی را ترک نکردند. ایشان در عین حال اصرار داشتند که به صحبت خود ادامه دهند. من هم می‌ترسیدم که مبادا حادثه ادامه داشته باشد و ایشان هدف سب و قصد قرار گیرند. نمازگزاران با صلابت هرچه بیشتر و بدون هیچ وحشتی یا مشت‌های گرگ کرده شعار الهاکبر را سر می‌دادند. از ایشان خواهش کردم اندکی به کنار جایگاه بیایند، تا مردم را به آرامش دعوت کنم، البته هدف دیگری هم داشتم. از قبل می‌دانستم که امام خمینی(ره)، تمامی نماز‌های جمعه تهران را به‌طور مستقیم از طریق رادیو گوش می‌کردند و اگر مشکلی هم بود، تذکر می‌دادند. آن روز هم که این اتفاق افتاد، احساس کردم الان امام گمان می‌کنند که حتماً برای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اتفاقی افتاده است. سریعاً در جایگاه قرار گرفتم و سه‌بار این جمله را بیان کردم: لعلفأ توجه کنید! رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران، هم‌اکنون به خطبه‌های عالمانه خود ادامه می‌دهند... این سخن علاوه‌بر این که آرامش را به نمازگزاران برگرداند، در واقع به امام هم این پیام را رساندم که آقا سالم هستند. نکته خیلی جالب در این خصوص این بود که چنین حادثه‌ای، حتی در صدای آقا هم تأثیری بر جای نگذاشت و ایشان با صلابت همیشگی و با همان عظمت، ادامه خطبه‌ها را ایراد کردند، به نحوی که ظاهراً هیچ اتفاقی نیفتاده است. مردم هم از جای خود تکان نخوردند و نماز جمعه برگزار شد. در این حادثه ۱۴ نفر به شهادت رسیدند...»

آنچه مرتضایی‌فر آن را پیشگویی کرده بود، همان بود که در عمل نیز اتفاق افتاد. امام خمینی آن خطبه جمعه را دقیقاً مورد استماع و توجه قرار داده و در پیام نوروزی خود به مناسبت آغاز سال ۶۴، درباره آن چنین گفتند: «قبحه روز جمعه را که آن‌طور باشکوه، با نورانیت، با استقامت گذشت. آن‌طور مردم با طمأنینه... مخصوصاً نگاه می‌کردم ببینم در بین مردم چه وضعی هست، ندیدم حتی یک نفر را که یک تزلزلی درش پیدا باشد و آن وقت امام جمعه آن‌طور با آن طنین قوی صحبت کرد، مردم آن‌طور گوش کردند، آن‌طور فریاد زدند که ما برای شهادت آمده‌ایم... با یک همچو ملتی کسی نمی‌تواند مقابله کند. ملتی که این‌طور است، آن روزی که اعلام می‌کنند که می‌خواهم بمباران کنیم نماز جمعه را، بیایند و بیشتر بیایند، حتی آنهایی که نمی‌امند برای نماز، (از) قراری که برای من نقل کرده‌اند، آنهایی که برای نماز جمعه هم نمی‌امند، هفته‌های دیگر، این هفته آمده‌اند...»

■ **برادری آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن**

در دی ماه ۱۳۶۶، آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه تهران، به تبیین حدود اختیارات ولی فقیه پرداختند که بازتاب‌های نامیانی یافت. این رویداد، نهایتاً اظهار نظر امام خمینی را در پی‌داشت. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در



دی ۱۳۵۸، گفت‌وگوی آیت‌الله خامنه‌ای با آیت‌الله منتظری در حاشیه قلمرو نخستین نماز جمعه خویش

## ۹ جوان

نامه دوم، امام جمعه منصوب خویش را به صفات بی‌آمده متصف کردند: «اینجانب که از سال‌های قبل از انقلاب با جنابعالی ارتباط نزدیک داشته‌ام و همان ارتباط تاکنون باقی است، جنابعالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری که آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جدا جانبداری می‌کنید، می‌دانم و در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید روشنی می‌دهید...»

با این همه آیت‌الله خامنه‌ای که شرح و بسط خود از ولایت فقیه را مبتنی بر اندیشه‌های امام می‌دانستند، در خطبه بعدی نماز جمعه، دیدگاه خویش در این باره را مبسوطاً تشریح کردند. در بخشی از این خطبه آمده است: «آنچه که در این دو، سه هفته به دنبال نامه امام عزیزمان به بنده پیش آمد، در حقیقت یکی از فرصت‌های تاریخی بارزش و یکی از تجارب بزرگ انقلاب ما بود و نامه‌ای که در محتوای آن و شکل آن، به مثابه نامه پدری به فرزند و استادی به شاگرد برای بنده بسیار عزیز و مغتنم بود، خوشبختانه این اثر را هم در جوّ عمومی جامعه ما گذاشت که ذهن و فکر بسیاری از اندیشمندان و متفکران و گویندگان و فقهاء و علماء و نویسندگان متعهد را، به اساسی‌ترین مسئله انقلاب ما و جامعه اسلامی ما دوباره معطوف کند و همان‌طور که مشاهده کردید، این بحث‌های ارزنده در رسانه‌های جمعی و یقیناً بیش از آنها در محافل علمی و خصوصی به دنبال آن نامه بابرکت پیش آمد و حقیقتاً این موقعیت را باید مغتنم شمرد و بنده شخصاً این مغتنم می‌شمارم و تجربه تازه‌ای هم برای انقلاب ما پیدا شد...»

■ **آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید**
جریان هدایت عمومی و راهگشا از پیون نماز جمعه و از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، پس از رهبری ایشان و در طول سه دهه اخیر، همچنان تداوم داشته است. از جمله مصادیق بارز این خطبه‌ها، می‌توان به خطبه نماز‌های جمعه پس از رویدادهایی چون: قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه کوی دانشگاه تهران، فتنه سال ۱۳۸۸ و شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی نام برد. در این میان اما، سخنان تاریخی و بصیرت‌افزایانه در پایان آغازین هفته از فتنه ۸۸، مهم و در‌خور یادخوانی می‌نماید:

«من به این برادران عرض می‌کنم، به مسئولیت پیش خدای متعال فکر کنید، پیش خدا مسئولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید، قانون، فصل الخطاب است، قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه اختلاف‌ها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوق‌های رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند، نه در کف خیابان‌ها، اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی آورده‌اند، اردو کشی خیابانی بکنند، طرفداران‌شان را بکشند به خیابان، بعد آنهایی که رأی آورده‌اند خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که من می‌خواهم طرفدار‌های خودمان را به یک جور، برای نفوذی تروریست – آن کسی که می‌خواهد ضربه تروریستی بزند– مسئله او مسئله سیاسی نیست، برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم، مردمی که می‌خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آنوقت مسئولیت با کیست؟ الان همه چند نفری که در این قضایا کشته شدند، از مردم عادل، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنش‌هایی که به اینها نشان داده خواهد شد – توحیبان از شلوقی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند – که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه این واکنش‌ها با کیست؟ انسان کنی می‌شود از بعضی از این قضایا، بروند در کوی دانشگاه، جوان‌ها را، دانشجوی‌ها را – آن هم دانشجوی‌های مؤمن و حزب‌اللهی را، نه آن شلوغ‌ها را – مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون می‌شود از این حوادث، زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است. من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست، اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده آنهاست. این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درستی می‌کنند و مسئولان نظام را مجبور می‌کنند، وادار می‌کنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاًن دادن به مطالبات غیر قانونی، زیر فشار، خود این شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است، این محاسبه غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقب مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند ساخت...»